

جامعه‌شناسی دیوان کلیم کاشانی به روش اسکارپیت

دکتر فرهاد طهماسبی^۱، مجتبی دستجردی^۲



تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۳۰

چکیده

در این مقاله کوشش بر آن است با بهره‌گیری از روش اسکارپیت در جامعه‌شناسی ادبیات، مسائل اجتماعی بازتاب‌یافته در دیوان کلیم کاشانی تبیین و تشریح شوند؛ در این راستا دیوان کلیم در فرایند سه‌گانه‌ی تولید، توزیع و مصرف ادبی بررسی شده است؛ نتایج این بررسی حاکی از آن است که تغییر مذهب از تسنن به تشیع و رفاه اقتصادی، به‌عنوان عمده‌ترین تحولات عصر صفوی، بر شعر کلیم و به‌طور کلی بر ادبیات عصر صفوی تأثیر فراوانی داشته‌اند. این مسائل در بیرون‌آمدن شعر از دربار و گسترش آن در میان عوام مؤثر واقع می‌شوند و پس از آن، شعر این عصر دستخوش دگرگونی‌هایی می‌شود؛ زبان شعر تحت تأثیر شعرسرایی خیل عظیم شاعران تازه‌کار و بهره‌گیری ایشان از زبان مردم کوچه و بازار دچار تغییراتی می‌گردد؛ و فور لغات و اصطلاحات عامیانه و کاهش کیفیت سطح زبانی شعر از آن جمله است. عمده‌ترین شیوه‌ی توزیع ادبی در آن عصر، شیوه‌ی توزیع قهوه‌خانه‌ای است که به مصرف ادبی به شکل شنیداری می‌انجامد و زمینه‌ساز سرقت ادبی و گاه توارد می‌شود؛ شعر کلیم نیز آن‌چنان که خود معترف است، از توارد در امان نبوده است. اوضاع نادلخواه وطن، شرایط نامساعد قشر هنرمند در جامعه‌ی عصر صفوی و ... از دیگر مسائلی هستند که به شکل اقماری، در بررسی دیوان کلیم به شیوه‌ی اسکارپیت رخ می‌نمایانند.

کلید واژه‌ها: کلیم کاشانی، اسکارپیت، توزیع قهوه‌خانه‌ای، مصرف شنیداری، توارد، سرقت ادبی.

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام‌شهر، ایران.

۲- دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران. mojtabadastjerdi@yahoo.com

۱- مقدمه

تحولات اجتماعی همواره یکی از عوامل تأثیرگذار بر آثار ادبی بوده‌اند؛ بررسی چگونگی این تأثیرگذاری‌ها موضوع کار جامعه‌شناسی ادبیات است؛ در واقع جامعه‌شناسی ادبیات در پی آن است تا با بررسی آثار ادبی، تأثیرپذیری آنها را از مسائل اجتماعی آشکار ساخته و به تبیین و تشریح جنبه‌های گوناگون این فرایند بپردازد. یکی از روش‌هایی که تاکنون در این حوزه‌ی پژوهشی مطرح شده و البته تا حدود زیادی نیز مهجور مانده است، روش جامعه‌شناسی اثر ادبی است، که گاه با عنوان جامعه‌شناسی ادبیات هم معرفی می‌شود؛ این روش را نخستین بار، روبر اسکاریپیت، از پیشگامان جامعه‌شناسی ادبیات، مطرح کرده است. در این مقاله می‌کوشیم دیوان کلیم کاشانی را به این روش بررسی کنیم و به تشریح چگونگی تأثیرپذیری شعر وی از مسائل اجتماعی جامعه‌ی معاصر او بپردازیم.

۱-۱- پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون تحقیق یا تألیف مستقلی بر مبنای روش اسکاریپیت با محوریت شعر کهن فارسی به چاپ نرسیده است، اما برخی منابع استفاده‌شده در این تحقیق را که هر کدام به نوعی با موضوع ارتباط دارند، می‌توان به عنوان پیشینه‌ی این تحقیق در نظر گرفت؛ کتاب‌های جامعه‌شناسی ادبیات تألیف روبر اسکاریپیت و جامعه‌شناسی ذوق ادبی نوشته‌ی لوین ل. شوکینگ از آن جمله‌اند.

۲- روش اسکاریپیت در جامعه‌شناسی ادبیات (جامعه‌شناسی اثر ادبی)

آنچه اسکاریپیت تحت عنوان جامعه‌شناسی ادبیات مطرح می‌کند، بررسی ادبیات در فرایندی اقتصادی است که سه بعد اساسی دارد: تولید ادبی، توزیع ادبی و مصرف

چه کسی نوشته شده است و چگونه و توسط چه کسی باید خوانده شود. اثر برای آنکه اصلاً در چارچوب ادبیات پذیرفته شود، باید فرآورده‌ی معینی باشد که در قالب برخی نهادهای اجتماعی معین تولید شده است.» (مکاریک، ۱۳۹۰: ۱۹۵). مؤلفه‌ی دوم، مسئله‌ی تأمین هزینه‌ی زندگی نویسنده است. بی‌تردید نویسنده نیز همچون دیگر افراد جامعه، نیازهای معیشتی خاص خود را دارد و چه‌بسا تلاش برای تأمین آنها، بر تولید ادبی او تأثیرگذار خواهد بود.

۲-۲- توزیع ادبی

توزیع برعهده‌ی ناشر است. این فعالیت حد فاصل تولید و مصرف قرار می‌گیرد و براساس آن، ناشر پل ارتباطی میان نویسنده یا همان تولیدکننده و خواننده یا همان مصرف‌کننده است. او در واقع دلالتی است که کالایی را از تولیدکننده به دست مصرف‌کننده می‌رساند؛ بنابراین کار ادبی توسط او صبغه‌ی اقتصادی می‌یابد و این جریان بر کار ادب و فرهنگ تأثیرگذار خواهد بود. هرچند دلالتی ناشر کار خوشایندی نیست، اما باید پذیرفت که وی نقش مهمی در خوانده‌شدن یا خوانده‌نشدن اثر دارد، بدون آنکه نقشی در به‌وجودآمدن آن داشته باشد. اسکارپیت کار ناشر را به ماما تشبیه می‌کند و می‌نویسد: «ماما نیست که به طفل حیات می‌بخشد، او عامل باروری نیست و تکه‌ای از گوشت بدن خود را نمی‌دهد، ولی بدون دخالت او، نطفه‌ای که بسته شده و تا پای خلقت پیش رفته، موجودیت پیدا نمی‌کند.» (اسکارپیت، ۱۳۸۷: ۵۸).

۲-۳- مصرف ادبی

خوانده‌شدن و خواننده‌داشتن هدف اولیه‌ی نویسنده است. در این میان، ناشر نیز می‌داند که اثر ادبی زمانی برای او ارزشمند یا درست‌تر بگوییم سودمند است که

در دست نیست. وی پس از چندی در همان سنین جوانی به شیراز می‌رود تا به تحصیل علوم بپردازد. دیری نمی‌گذرد که از آن دیار رخت برمی‌بندد و راهی سرزمین هندوستان می‌شود. در این سفر، که با دوره‌ی پادشاهی جهانگیر مقارن است، به ملازمت شاهنوازخان شیرازی درمی‌آید. شاعر پس از اقامتی کوتاه در هند به وطن بازگشته و دو سال و نیم در ایران ماندگار می‌شود، اما شوق سفر به هند او را دوباره بدان سامان می‌کشاند. در این زمان تحت سرپرستی میرجمله شهرستانی قرار می‌گیرد اما نمی‌تواند پایگاهی در دستگاه جهانگیر برای خود فراهم کند. شاعر که به دلیل عدم نیل به مقصود خویش، مسکن و مأمّن مناسبی نیافته است، مهیای سفر به بیجاپور می‌شود، در میانه‌ی راه، راهداران به اتهام جاسوسی وی را روانه‌ی زندان می‌کنند. چندی بعد از بند رهایی می‌یابد و «رفته‌رفته در دربار شاه‌جهان تقرب حاصل کرده و به خطاب ملک‌الشعرایی سرافراز می‌شود.» (همان).

شاعر پس از آنکه نزد پادشاه مکرم و محترم می‌شود، همراه با وی به کشمیر می‌رود، با دیدن زیبایی‌های آن سرزمین و آب‌وهوای مطبوعش از پادشاه درخواست می‌کند به او اجازه دهد تا همان‌جا بماند و فتوحات شاهی را به نظم بکشد؛ این درخواست او پذیرفته می‌شود و کلیم تا پایان عمر در همان دیار باقی می‌ماند تا آنکه در سال ۱۰۶۱ هـ. ق. به دیار باقی رخت برمی‌بندد.

مجموع ابیات دیوان کلیم حدود ده هزار بیت است و قالب‌های شعری آن نیز متنوع‌اند. شاعر از قصیده، غزل، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مثنوی، قطعه و حتی رباعی استفاده کرده و قدرت شاعری خود را در هر یک از این قالب‌ها به‌خوبی نشان داده است. موضوع اشعار او از مدح و ستایش پیامبر و دیگر بزرگان دین، ممدوحان درباری، وصف طبیعت، حکمت، پند و اندرز، عشق، مسائل دینی، عرفانی، اخلاقی و اجتماعی، تا ماده‌تاریخ‌ها، وصف بناها و آداب و رسوم هندوان متغیر است.

اجتماعی قهوه‌خانه چیست و قهوه‌خانه‌ها چه نقشی در جهت‌دادن به روابط اجتماعی مردم داشته‌اند. بلوکباشی در ادامه‌ی بحث خود در ارتباط با قهوه‌خانه‌ها به برخی از این مسائل اشاره کرده و می‌آورد: «قهوه‌خانه در طول تاریخ حیات چهارصدساله‌ی خود، وظیفه و نقش‌های گوناگونی مطابق با اوضاع اجتماعی و اقتصادی زمان داشته است. در آغاز کار محل گردآمدن مردم خوش‌گذران از قشرهای مرفه جامعه و ادیبان و شاعران و رجال درباری و کشوری و لشکری بود. هم‌زمان با ریشه‌گرفتن قهوه‌خانه در بن جامعه و میان توده‌ی مردم و توسعه‌یافتن آن در همه‌ی شهرها، مردم از هر طبقه و گروه و به‌خصوص اهل کار و صنعت و پیشه به آن روی می‌آوردند ... مردم از هر قشر و گروه، هر روز پس از دست‌کشیدن از کار روزانه و در ایام و اوقات بیکاری در قهوه‌خانه‌ها جمع می‌شدند و ساعت‌ها به گفتگو با هم و تبادل نظر درباره‌ی کارهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی می‌پرداختند. اهل حرف و صنعتگران و کارورزان، بعضی از قهوه‌خانه‌ها را پاتوغ (پاتوق) صنفی خود کرده بودند و در تجمع‌هایشان مسائل صنفی و شغلی خود را در میان می‌گذاشتند و به کاریابی و کارراه‌اندازی می‌پرداختند.» (همان: ۱۰). راوندی نیز این‌گونه از ارتباطات درون قهوه‌خانه سخن می‌گوید: «طبقات مختلف مردم از اعیان و رجال دربار و سران قزلباش تا شاعران و اهل قلم و نقاشان و سوداگران، برای گذرانیدن وقت و دیدار دوستان و سرگرم‌ساختن خود، به بازی‌های مختلف یا مناظرات شاعرانه و شنیدن اشعار شاهنامه و حکایات و قصص و تماشای رقص‌های گوناگون و بازی‌ها و تفریحات دیگر به آنجا می‌رفتند.» (راوندی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۲۲۲). اگر به مطالب مطرح‌شده در این منابع دقت کنیم به دو نکته‌ی جالب توجه می‌رسیم؛ نخست آنکه قهوه‌خانه در آغاز شکل‌گیری (عصر صفوی) محل تجمع افراد مرفه بوده است و دیگر آنکه، قهوه‌خانه جایی است برای گذران وقت و سرگرم‌شدن. اکنون این پرسش پیش می‌آید که مگر چه اتفاقی در

و بعدها از یاد وی رفته است. آرزو این مقوله را ذهول و فراموشی نامیده است.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۰۲، ۱۰۱). با در نظر گرفتن این موضوع می توان گفت در عصر صفوی بنا به شیوهی پر کاربرد مصرف شنیداری شعر، اگر بیتی در جمعی خوانده می شد و مورد توجه سرایندهی دیگری قرار می گرفت، در خاطر او جای گیر می شد، پس از مدتی از یاد او می رفت و سرانجام هنگام سرودن شعر در زمانی دیگر، هاله‌ی کمرنگ باقیمانده از آن دوباره به صفحه‌ی ذهن وی برمی گشت و شاعر که از یاد برده بود آن بیت از آن شخص دیگری است، آن را شعر خود می پنداشت و در دفتر خود ثبت می کرد. البته باید توجه داشت که شاید گاه نیز این ابیات مشابه، از ناخودآگاه شاعر سر بر نمی آورده بلکه وی آگاهانه بیت شاعر دیگری را با ادعای مالکیت در شعر خود می آورده است که این نوع اخیر دیگر توارد محسوب نشده و در زمره‌ی سرقت ادبی قرار می گیرد. به هر روی، شیوه‌ی توزیع شفاهی شعر و مصرف شنیداری آن، که عموماً منجر به حذف متن مکتوب از روند مصرف ادبی می شد و نیز فرصت زمانی لازم را برای ثبت شعر به نام شاعر آن از میان می برد، بستر مناسبی فراهم کرده بود که برخی شاعران (غیر از شاعرانی که به واقع دچار توارد می شدند)، یا به عبارت درست تر برخی متشاعران با سوءاستفاده از موقعیت، شعر دیگران را به نام خود ثبت می کردند؛ اگر دستشان رو می شد کار خود را توارد نام می نهادند و در غیراین صورت مالک شعر دیگران می شدند. جالب است که گاه با وجود آشکار بودن سرقت ادبی، برخی به دفاع از کرده‌ی خود برمی خاستند و نه تنها منکر کار خود نمی شدند بلکه دست به توجیه آن می زدند. برای مثال در تذکره‌ی تحفه‌ی سامی در باب مولانا هوشی شیرازی می خوانیم: «دیوانه‌وش مردی بود، نوبتی این مطلع مولانا جامی را تغییر داده چنین می خواند:

هوشی تو و جام می و بیهوشی و مستی راه خرد مردم هشیار چه دانی
کسی گفت این شعر جامی است، چرا به اسم خود می خوانی، جواب داد که چه

فهرست منابع

۱. اسکارپیت، روبر. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی ادبیات. ترجمه‌ی مرتضی کتبی. تهران: سمت.
۲. بلوکباشی، علی. (۱۳۷۵). قهوه‌خانه‌های ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. راوندی، مرتضی. (۱۳۸۳). تاریخ اجتماعی ایران. (ج ۷). تهران: نگاه.
۴. شبلی نعمانی، محمد. (۱۳۶۸). شعرالعجم. (ج ۳). ترجمه‌ی سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب.
۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). زمینه‌ی اجتماعی شعر فارسی. تهران: اختران.
۶. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). سبک‌شناسی شعر. تهران: توس.
۷. شوکینگ، لوین لودویگ. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی ذوق ادبی. ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
۸. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی. (ج ۵). تهران: فردوس.
۹. صفوی، سام‌میرزا. (۱۳۸۴). تذکره‌ی تحفه‌ی سامی. تصحیح رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: اساطیر.
۱۰. فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۵). نقد ادبی در سبک هندی. تهران: سخن.
۱۱. کلیم همدانی، میرزا ابوطالب. (۱۳۶۹). دیوان. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد قهرمان. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۲. مکاریک، ایرناریما. (۱۳۹۰). دانش‌نامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه‌ی مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگاه.

